

توجه به جنبه‌های مردم‌شناختی و فرهنگی زبان همواره یادآور نام دو مردم‌شناس برجسته آمریکایی است: فرانتس بوآز و ادوارد ساپیر. فرانتس بوآز (۱۸۵۸-۱۹۴۲) «دانشمندی نژادشناس و مردم‌شناس بود که به بررسی و شناساندن زبانهای سرخپوستان نیز پرداخت.»^۱ ادوارد ساپیر (۱۸۳۹-۱۸۳۴)، شاگرد بوآز نیز زبان‌شناس و مردم‌شناس برجسته‌ای بود که «زبان را محصول فرهنگ و اجتماع می‌داند که از سوی دیگر بر پایه شالوده‌های زیستی و روان‌شناختی نیز قرار دارد.»^۲ به طور کلی می‌توان گفت که «نگرش اصلی و مرکزی بوآز و ساپیر نسبت به زبان طوری بود که هرزبانی را در پیوند تنگاتنگش با کل شیوه زندگی و طرز تفکر سخنگویانش در نظر می‌گرفتند و بررسی می‌کردند...»^۳. کتاب **زبان، منزلت و قدرت در ایران** نوشته ویلیام بی‌من، مردم‌شناس آمریکایی دانشگاه براون و نویسنده مطالب متعدد درباره ایران است که نگاهی مردم‌شناسانه به موضوعات فرهنگی - زبانی ایران دارد.^۴ متن انگلیسی این کتاب در ۱۹۸۶ در آمریکا به چاپ رسید، یعنی در دهه‌ای که به دلایل گوناگون، از جمله گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران، جنگ ایران و عراق و تیرگی روابط ایران و غرب، ایران در کانون توجه جهانی قرار داشت. پس از انتشار متن انگلیسی کتاب تا آنجا که نگارنده این

نوشته می‌داند چهار نقد در مجله‌های معتبر **Iranian studies** (مطالعات ایرانی)، به قلم حمید دباشی **Language in society** (زبان در جامعه)، به قلم نیلوفر حائری، **Language** (زبان) به قلم جان معین و در مجله **زبان‌شناسی** به قلم دکتر یحیی مدرسی درباره این کتاب به چاپ رسید. نویسندگان این چهار نقد به طور کلی بسیاری از نظرات و مطالب مطرح شده از سوی بی‌من را در این کتاب زیر سؤال برده‌اند که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد. متن فارسی کتاب در بردارنده پیشگفتار مترجم، پیشگفتار مؤلف، چند نکته پیرامون حرف‌نویسی و آوانگاری و هفت فصل به ترتیب با عنوانهای، مقدمه: ساختار تعامل زبانی ایرانیان، سازماندهی پیام، سازماندهی عوامل تعاملی، علامت‌گذاری عوامل، صوت‌شناسی اجتماعی زبان فارسی، واژه‌شناسی اجتماعی زبان فارسی، نحو‌شناسی اجتماعی تعامل ایرانیان و نتیجه‌گیری: زیباشناسی تعامل ایرانیان است. این کتاب رامی‌توان به دو بخش تقسیم نمود: چهار فصل نخست کتاب که به طور عمده «متوجه جنبه‌ها و ویژگیهای مردم‌شناختی فرهنگ ایرانی است»^۵ و سه فصل پنجم، ششم و هفتم که بیشتر متوجه مباحث زبانی، البته درباره جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناختی، زبان فارسی است.



شناخت نهادهای اجتماعی و سیاسی ایرانیان دارد. از رهگذر پیچیدگیها و ظرایف تعاملات رودرو است که بر سر قدرت چانه زنی می شود، ائتلاف حاصل می شود، مسئولیت بر دوش افراد گذاشته می شود و درباره گزینه های راهبردی تصمیم گیری می شود. (صص ۲۲-۲۱) با این باور بی من بر آن بوده است نشان دهد که فارسی زبانان چگونه ساختارهای زبانی را برای آفرینش بافتیایی که در آنها گفته هایشان از سوی شنوندگان تعبیر و تفسیر می شود به کار می برند، از این رو در پژوهش بی من به نقش گویندگان در تعامل زبانی اهمیت زیادی داده می شود، چرا که «افراد در کاربرد زبان خود خلاقیت نشان می دهند و خلاقیت همان سازوکاری است که در نهایت معنی را در تعامل رقم می زند.» (ص ۴۴)

به نوشته بی من «در مورد ایران این گونه کاربردهای خلاق زبان در قالب سبکهای مشخص تعامل، تبلور پیدا می کند که مشاهده گران خارجی غالباً تعبیر درستی از آنها ندارند.» (همان) به باور دباشی هفت مقوله مفهوم اصلی مورد تأکید بی من در این کتاب عبارت اند از: تعارف، زرنگی، ظاهر باطن، دوره، پارتی بازی، صمیمیت و کاربرد فعل فرمودن. ^۶ برخلاف بی من، دباشی بر این باور است که در تعامل ایرانیان افزون بر اینکه تعارف

مطالب مطرح شده در این کتاب حاصل یک پژوهش میدانی است که در آن بی من کوشیده است با بررسی «راهها و روشهایی که زبان می تواند به مثابه یک ابزار راهبردی و مؤثر در تعامل اجتماعی به کار برده شود» (ص ۱۸)، نشان دهد که «معنی صرفاً بازتاب طبیعی یک موقعیت خاص نیست، بلکه در جریان تعامل خلق می شود» (همان) درک چنین معنایی به باور بی من نیازمند توصیف از نزدیک (thick description) در مفهوم مورد نظر گیرتر است، «یعنی تعبیر و تفسیر آنچه که می بینیم با توسل به بهترین و آگاهانه ترین استدلالهای ممکن که آنها هم تنها از رهگذر آشنایی با فرهنگی که قصد توصیف و تشریح آن را داریم ممکن است» (همان). از این رویی من تلاش کرده است خود را در موقعیتهای گوناگون تعاملات زبانی ایرانیان وارد سازد. به باور او «درک بویایی مرادوات میان فردی، نقش کلیدی در

یک استراتژی ریاکارانه (بنگرید به صص ۲۱۶-۱۹۴ کتاب) نیست، بلکه وجود واژه‌های مترادف بسیاری در زبان انگلیسی برای این واژه نشان می‌دهد که تعارف به هیچ روی ویژه ایرانیان نیست.^۷ در مورد مقوله زرنگی که به باور بی من «قابلیتی است که همه طالبش هستند» (ص ۵۵) و «تدبیری است که کنش‌گر زبردست به کار می‌بندد تا مانع تعبیر مستقیم کنشهایش شود یا این که به طور سنجیده دیگران را به سوی تعبیرهای نادرست هدایت کند...» (همان). دباشی استناد بی من را به گفته‌های افرادی چون لرد کروزون و جیمز موریر، در کتاب **حاجی بابای اصفهانی** موجب از بین رفتن اعتبار مشاهدات او می‌داند، و تلاش او را نیز برای ربط دادن زرنگی به تقیه به کلی بی معنای دانند.^۸

دباشی علاقه بی من به تمایز میان ظاهر و باطن و تلاش او را برای ربط دادن آن به بیرونی و اندرونی در معماری ایرانی دارای اشکالات متعددی می‌داند و افزون بر این تمایز را نیز چیزی جهانی می‌داند.^۹ مفاهیم دوره که به باور بی من «مشکل از گروهی از مردان یا زنان است که به نحوی خود را برابر یا همانند می‌دانند» (ص ۷۶)، و پارتی‌بازی که به باور بی من رفتار حاکم میان افراد یک دوره در قالب آن نهادینه می‌شود (ص ۸۰)، به باور دباشی باز هم ویژه جامعه ایران نیستند، بلکه «ویژگیهای مشترک همه جامعه‌ها هستند».^{۱۰} دباشی با اشاره به قسمتی از نوشته‌های بی من که می‌گوید «صمیمیت سنگ بنای پارتی‌بازی در جامعه ایران است و متشکل از پیوندهای نزدیک و صمیمی، روابط برابری و دوستی است. صمیمیت نقطه مقابل تعارف است چون در این نوع روابط به تفاوت منزلت توجهی نمی‌شود» (ص ۲۱۷) بر این باور است که بی من باز هم در مورد تعارف اشتباه کرده است، چرا که «صمیمیت و تعارف به دقت وارد قلمرو همدیگر می‌شوند، اما بدون هیچ سرعت خاصی».^{۱۱} دباشی به دلایلی که آوردن آنها از حوصله این نوشته خارج است تبیین بی من را در رابطه با فعل فرمودن خالی از اشکال نمی‌داند.^{۱۲}

به باور جان معین رویکرد بی من در فصل پنجم برای مطالعه مقابله‌ای الگوهای آوایی فارسی امروز ایران بسیار جالب و مفید است، هر چند که او در اینجا نیز مرتکب اشتباهاتی شده است.^{۱۳} درباره گزینش گویشوران یا مطلعان کارهای میدانی، به بیان دیگر، کسانی که براساس داده‌های به دست آمده از آنها، تحلیلها انجام می‌گیرند، به ویژه در زمینه‌هایی چون زبان‌شناسی اجتماعی، گویش‌شناسی و زبان‌شناسی میدانی، به طور معمول در کتابهای مربوط به این زمینه‌ها شرایطی بیان می‌گردد که به نظر می‌رسد بی من در کار خود بسیاری از آنها را رعایت نکرده است. از این رو به نوشته حائری «چندین دهه کار در زبان‌شناسی در انواع گوناگونی از فرهنگهای مختلف به ما نشان داده است که بعد شهری-روستایی یک عامل متمایزکننده عمده در جداسازی گونه‌های گفتاری موجود در یک جامعه است»^{۱۴}، و به همین دلیل اینکه بی من می‌گوید: «من مایل بودم برای انجام این تحقیق در یک جامعه روستایی که در آن به فارسی معیار، صحبت می‌شود کار کنم» (ص ۱۴) موجب شگفتی است. به بیان دیگر در شرایط کنونی فارسی، معیار فارسی رایج در تهران، موسوم به تهرانی است و نه گونه‌زبانی مورد کاربرد در روستای گواکی که داده‌های کار بی من بیشتر از آنجا گردآوری شده است. یکی دیگر از

ایرادهای کار بی من تعمیم دادن یافته‌هایی که براساس ارتباط با عده‌ای محدود در قسمتی از ایران به دست آمده‌اند به همه جامعه ایرانی است؛ به سخن دیگر، ایران سرزمین بزرگی است با قومها، زبانها، گویشها، لهجه‌ها و آداب و رسوم گوناگون و متنوع و نمی‌توان رفتار و عاداتهای (زبانی و غیرزبانی) گروهی را (خوب یا بد) به همگان تعمیم داد.

چند نکته درباره ترجمه کتاب

ترجمه این کتاب به رغم نثر پیچیده بی من، روان و قابل خواندن است. با این حال در خواندن کتاب گاهی باید سرعت را کمتر کرد و با حوصله و تأمل بیشتری مطالب را از نظر گذراند. در متن انگلیسی کتاب در مواردی در آوانویسی واژه‌ها، عبارتها و جمله‌های فارسی، اشتباهاتی وجود دارد که در متن فارسی بسیاری از آنها تصحیح شده‌اند. اما در ترجمه کتاب سپاسگزاری (Acknowledgement) و کتابنامه غنی متن انگلیسی حذف شده است. اگر به هر ترتیبی بتوان حذف سپاسگزاری را از متن فارسی توجیه کرد؛ بی شک حذف کتابنامه به هیچ روی قابل توجیه نیست، چرا که نویسند در موارد بسیاری در متن کتاب به منابع متعددی استناد کرده یا به آنها ارجاع داده است و بدون شک خواننده برای آگاهی از نشانی کامل این منابع و ارجاعات باید به کتابنامه مراجعه نماید، و حذف کتابنامه افزون بر اینکه اصولاً آوردن آن ارجاعات و درون نوشته‌ها را در متن کتاب بی معنی کرده، خواننده را نیز از کتابنامه غنی متن انگلیسی محروم ساخته است.

همچنین مترجم نمایه‌ها و موضوعات متن انگلیسی را در متن فارسی کتاب در هم آمیخته است؛ اما روشن نیست که چرا بعضی از موارد را در نمایه آورده و بعضی دیگر را حذف کرده است. به عنوان مثال، نام کاترین بیت‌سان که در نمایه متن انگلیسی و نیز در صفحات ۹۸ و ۱۵۴ و غیره متن فارسی آمده است، در نمایه دیده نمی‌شود. همچنین در مواردی هم نام یا اصطلاح داده شده در نمایه، در بعضی از صفحاتی که شماره آنها در جلوی آن نام یا اصطلاح آمده است به چشم نمی‌خورد؛ به عنوان مثال، اصطلاح واج‌شناسی را نه در صفحه ۱۳۹ می‌توان دید و نه در صفحه ۱۴۲ و نه در صفحات ۱۶۷ و ۱۷۶.

همچنین نکات زیر در رابطه با ترجمه بعضی عبارتها، واژه‌ها و اصطلاحات شایان گفتن است:

در صفحه ۱۴۵ ما عبارت «... همچون اعضای بهداشت و توسعه محصولات کشاورزی...» را می‌بینیم که ترجمه عبارت انگلیسی «... such as the health and development corps members...» (ص X متن انگلیسی) است؛ با کمی دقت متوجه می‌شویم ترجمه دقیق این عبارت انگلیسی در واقع «... همچون اعضای سپاهیان بهداشت و ترویج و آبادانی...» است.

در فهرست کتاب واژه مردم (people) از عنوان فصل سوم حذف شده، اما در صفحه ۶۵ این واژه در عنوان فصل سوم آمده است. در فهرست همچنین واژه رویدادها (events) از عنوان فصل چهارم حذف شده، اما همین واژه در صفحه ۹۹ در عنوان فصل چهارم آمده است. همچنین آخرین زیرعنوان فصل چهارم، «تغییرات الگوی بنیادی تعامل» در فهرست نیامده، ولی در متن

کتاب دیده می شود.

زبانی و فرهنگی ایرانیان شایسته تحسین است و به نظر می رسد در بعضی موارد منتقدان این کتاب نگاهی از روی بدبینی به این کتاب و نویسنده آن و برداشتهای او داشته اند.

در فهرست عنوان فصل پنجم «صورت شناسی اجتماعی زبان فارسی» و عنوان فصل ششم «واژه شناسی اجتماعی زبان فارسی» است که به ترتیب ترجمه 'persian socio-phonology' و 'persian socio-Morphology' هستند. به بیان دیگر در اینجا در مورد نخست «صوت شناسی» معادل 'phonology' گذاشته شده است؛ اگر از این واقعیت صرف نظر کنیم که امروزه در متون زبان شناسی فارسی به طور عمده معادل این اصطلاح «واج شناسی» است، باز هم با این مشکل روبه رویم که در سراسر کتاب، شاهد به کارگیری یکدست صوت شناسی به عنوان معادل این اصطلاح نیستیم. برای مثال، عنوان فصل پنجم در قسمت یادداشتهای کتاب (ص ۲۹۰) این بار «واج شناسی اجتماعی فارسی» ترجمه شده که علاوه بر حذف واژه «زبان»، از واژه «واج شناسی» به جای «صوت شناسی» استفاده شده است.

در صفحات ۲۰ و ۲۲۹ نیز واج شناسی و نه صوت شناسی به کار رفته است. در مورد دوم نیز اگر باز این واقعیت را نادیده بگیریم که در متون زبان شناسی امروز زبان فارسی معادل اصطلاح 'Morphology' به طور عمده «ساختواژه» انتخاب می شود، باز این مشکل باقی است که این اصطلاح و مشتقات آن به طور یکدست به «واژه شناسی» و مشتقات آن ترجمه نشده اند، چرا که در همین فصل صورت صفت این اصطلاح یعنی 'Morphological' به ساختوازی و نه مثلاً به «واژه شناختی» ترجمه شده است. (بنگرید به صص ۱۸۳، ۱۹۱ و ۲۲۶) صفحه ۳۴، پاراگراف دوم، عبارت «کنش های زبانی» معادل 'linguistic expression' گذاشته شده، اما در نمایه (ص ۲۹۹) شماره این صفحه در مقابل کنش گفتار آمده است که در جاهای دیگر معادل 'speechact' به کار رفته است.

در پایان

حائری در پایان نقد خود بر این کتاب می نویسد: «این پژوهش دارای ارزش اندکی برای متخصصان است و خطاهای واقعی آن آنقدر زیاد است که آن را به غیر متخصصان نیز نمی توان توصیه کرد.»^{۱۵} دباشی نیز به طور کلی معتقد است که مطالب مطرح شده در این کتاب باعث سوءاستفاده و سوءتفاهم درباره ایرانیان می شود.^{۱۶} اما مدرسی ضمن اشاره به اینکه نتیجه گیریهای بی من در مورد وجود نامنی و بی اعتمادی در جامعه ایران منصفانه نیست^{۱۷} و نیز اینکه بسیاری از تحلیلهای او سطحی است^{۱۸} و ضمن اینکه موارد مورد بررسی در فصلهای مختلف کتاب را فاقد یکدستی کافی می داند^{۱۹}، در پایان اشاره می کند که «در مجموع باید گفت که کتاب زبان، جایگاه و اعتبار اجتماعی در ایران به رغم نارساییها و اشکالات آن، کاری جدی و حاوی نکات جالب درباره زبان و فرهنگ ایرانی است.»^{۲۰} نگارنده این نوشته نیز ضمن همدستان بودن با بسیاری از انتقادات مطرح شده در مورد این کتاب، برای باور است که این کتاب آن گونه که خانم حائری آن را برای متخصص و غیرمتخصص بی فایده می داند و آن گونه که آقای دباشی آن را منشأ سوءاستفاده می داند، بی فایده و منشأ سوءاستفاده نیست، بلکه در بسیاری موارد دقت و تیزبینی بی من در مشاهده، بررسی و تحلیل روابط و تعاملات

پانویسها:

* زبان، منزلت و قدرت در ایران ویلیام بی من، رضا ذوقدار مقدم،

نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱. مشکوة الدینی مهدی، سیر زبان شناسی، مشهد: انتشارات دانشگاه

فردوسی مشهد، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۳. روبینز. آر. اج، تاریخ مختصر زبان شناسی، ترجمه علی محمد

حق شناس، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، چاپ سوم، ۱۳۷۸،

ص ۴۳۰.

۴. مدرسی یحیی، «نقد و معرفی کتاب، Language status and power in Iran

ویلیام آبی من»، در مجله زبان شناسی، شماره اول، سال نهم، بهار و

تابستان ۱۳۷۱، ص ۶۵.

5. Haeri, N. 1988. "Review of W. Beeman's Language, status and power in Iran", in Language in society, vol. 17, p. 431.

6. Dabashi, H. 1988. "Review of W. Beeman's Language, status and power in Iran". in Iranian studies, Vol. XXI, No. 3-4, p. 123.

7. Ibid, p. 123.

8. Ibid, p. 124.

9. Ibid, p. 125.

10. Ibid, p. 126.

11. Ibid.

۱۲. در این باره خواننده علاقه مند می تواند به صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷ نقد دباشی رجوع کند.

13. Moyne, J, "Review of W. Beeman's Language, status and power in Iran", in language, vol 64, No 2, p. 403.

14. Hacri, p. 434.

15. Ibid, p. 436.

16. Dabashi, p. 127.

۱۷. مدرسی، صص ۶۸-۶۷.

۱۸. همان، صص ۷۰-۶۸.

۱۹. همان، ص ۷۰.

۲۰. همان، ص ۷۳.